

نگاهی به شکل‌گیری نهضت مشروطه

(۱)

مهدی زرین قرآ و رودی W
گارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی



چکیده

ضعف حکومت قاجار
در اداره جامعه همراه
با بروز بحرانهای
اقتصادی، منجر به



تسریع روند توسعه اقتصادی وابسته ایران
گردید. بدیهی است که در این شرایط،
انزجار عامه مردم از فساد و خیانت طبقه
حاکم نیز وجود داشت؛ چرا که قانون
خاصی برای تعامل میان حکومتگران با
عامه مردم وجود نداشت. حال که در این
شرایط، قاجاریه دوران اضمحلال و زوال
بی‌وقفه خود را پشت سر می‌گذاشت، آیا
می‌توان با راه‌حلی راه‌گشا هم شرایط
اجتماعی مناسبی را برای عامه مردم
فراهم کرد و هم با سازوکاری مطلوب،
مناسبات دولتمردان و نخبگان فکری
جامعه را بهبود بخشید؟

در پاسخ به این سؤال روشنفکران
متأثر از پیشرفت تمدن اروپایی خواهان
برقراری نظم سیاسی جدیدی بودند که

با شکل‌گیری آن قدرت مطلقه شاه، محدودتر می‌شد. به تعبیر بهتر خواهان حکومت پارلمانی مبتنی بر قانون اساسی بودند. عامه مردم نیز که در زمره مخاطبان پرشمار اندیشه‌های نخبگان فکری جامعه بودند، به امید تحقق رفاه و امنیت اقتصادی، زمینه‌های ظهور نهضت مشروطه را فراهم آوردند.

کلید واژه‌ها مشروطه، مجلس، قانون

مقدمه

یکی از حوادث مهم تاریخ معاصر ایران، نهضت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشروطه در سال ۱۳۲۴ هجری قمری بود. مهم‌ترین ثمره این تحولات در تأسیس نخستین مجلس شورای ملی با مشارکت قشرهای مختلف اجتماعی به منصف ظهور رسید. قشرهای گوناگون جامعه برای نخستین بار در مجلس اول که نماد مشارکت سیاسی جامعه ایران محسوب می‌شد، تلاش کردند تا در اداره سیاسی جامعه خود نقش فعالی را ایفا نمایند، اما حاکمیت استبدادی قاجار، مشکلاتی را پیش‌روی آزادی‌خواهان قرار داد.

آزادی‌خواهان در قالب فعالیتهای مجلس اول مشروطه که یکی از پویاترین ادوار مجلس شورای ملی در تاریخ ایران بود در صدد بر آمدند تا در مسیر جبران عقب‌ماندگیهای فکری و فرهنگی این مرز و بوم، نظم نوینی را جهت پیشرفت و اداره کشور نهادینه نمایند، اما چالشهایی پیش‌روی مجلس‌خواهان نظم سیاسی جدید قرار گرفت که آزادی‌خواهان را در مسیر تحقق اهداف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنان با مشکل مواجه ساخت. در این مقاله به بررسی «شرایط عمومی جامعه در آستانه اضمحلال قاجاریه»، «انتظارات و خواسته‌های نخبگان فکری جامعه» و «انتظارات و خواسته‌های عامه مردم» می‌پردازیم.

شرایط عمومی جامعه در آستانه اضمحلال قاجاریه

حکومت استبدادی قاجار در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، توان اداره جامعه را نداشت. در تمام جنگهای خارجی شکست خورده و با قبول عهدنامه‌های خفت‌بار گلستان و ترکمانچای، بخشهای بزرگی از خاک مملکت را از دست داده بود.

برخی از صاحب‌نظران چنین معتقدند: «جامعه ایران، جامعه‌ای توسعه نیافته بود. اکثر مردم در فقر به سر می‌بردند. بحران اقتصادی، سالها بود که ادامه داشت و دولت دچار بحران مالی و کمبود درآمد بود. راه‌حلی که حکومتگران یافتند، اعطای امتیازهای اقتصادی به اتباع و دولتهای بیگانه و وام‌گیری از آنها بود. اما درآمد حاصل از سپردن امتیاز و گرفتن وام، صرف سرمایه‌گذاری یا تولید اقتصادی نمی‌شد؛ بلکه مخارج دربار و بزرگان مملکت را تأمین می‌کرد و در سفرهای بی‌حاصل شاهان و همراهانشان به اروپا بر باد می‌رفت.»^(۲)

از این رهگذر، پیوندهای تجاری و سیاسی ایران با کشورهای اروپایی روند توسعه اقتصادی وابسته را بیش از پیش تسریع کرد و ایران که در دوره صفویه، مرکز تجارت منطقه به شمار می‌رفت، در این دوران در حاشیه بازار جهانی سرمایه‌داری قرار می‌گرفت.^(۳)

اقتصاد معاش‌گونه ایران در این زمان به جای صدور مصنوعات، به صدور مواد خام روی آورده بود و به تبع آن بر میزان بیکاری دهقانان و پیشه‌وران افزوده شده بود. هرچند تجار جزء از قبل این اقتصاد وابسته زیان دیدند، اما تجار بزرگ ضمن آگاهی از وضعیت دنیای جدید در نتیجه مرآوده با کشورهای

آزادی‌خواهان در قالب فعالیتهای مجلس اول مشروطه که یکی از پویاترین ادوار مجلس شورای ملی در تاریخ ایران بود، در صدد بر آمدند تا در مسیر جبران عقب‌ماندگیهای فکری و فرهنگی این مرز و بوم، نظم نوینی را جهت پیشرفت و اداره کشور نهادینه نمایند، اما چالشهایی پیش‌روی مجلس‌خواهان نظم سیاسی جدید قرار گرفت که آزادی‌خواهان را در مسیر تحقق اهداف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنان با مشکل مواجه ساخت



روشنفکران و آگاهان از پیشرفت تمدن اروپائیان که عمدتاً از طریق روسیه، انگلیس و فرانسه در معرض مدلی جادویی قرار گرفته بودند، در پی یافتن دلایل عقب ماندگی کشور خود و «رمز» پیشرفت اروپائیان بودند. با بررسی آراء و دیدگاههای پیشگامان تجدد، می توان به نظام اندیشه و پایه های فکری جریانی رسید که در غالب نهضت سیاسی، اجتماعی مشروطه، خواهان نظم سیاسی جدیدی هستند که در آن قدرت مطلقه شاه با دو اصل مهم تفکیک قوا و نظام شورایی محدودتر شود

غربی بهره های کلان بردند.

فساد حکومتگران نیز در این شرایط به بیان ساموئل کریبر ویلر بنجامین^(۴) از موانع اصلی بازدارنده ایران از پیشرفت به شمار می رفت. وی می نویسد که یکی از موانع و مشکلات بزرگ و پیشرفت و تجدید حیات ایران، فساد کلی است که در طبقات حاکمه ایران وجود دارد، بسیاری از مقامات عالی رتبه و مهم، فاسد هستند و به کشور خود به انواع گوناگون خیانت می کنند و از اینکه کوچک ترین اثری از وطن پرستی در وجود ایشان دیده نمی شود و با اخذ رشوه و باج در برابر هر اقدامی که ایران را در راه ترقی به پیش ببرد، به مخالفت بر می خیزند، اظهار تأسف می نماید و دربار و هیئت وزیران ایران را مرکز دسیسه می داند.^(۵)

قانون خاصی نیز برای تعامل حکومتگران با مردم وجود نداشت. در نتیجه مردم در زندگی اجتماعی خود از امنیت و حمایت قانونی برای احقاق حقوق تضییع شده محروم بودند. «به طور کلی فقدان ضوابط قانونی، یعنی خودکامگی قدرت در همه سطوح، جای چندانی برای امنیت و آینده نگری شخصی نمی گذاشت، چه رسد به امنیت و آینده نگری سیاسی، اقتصادی یا مالی. تمامی سیر تاریخ ایران و وقایع نامه های، جامانده ایرانی، پر است از شرح زندگی نامن و مخاطره آمیز افراد این جامعه...»^(۶) به بیان صریح تر «نوعی هرم اجتماعی برپا بود که در آن افراد به زیردستان خود ستم می کردند و از بالا دستها ستم می دیدند.»^(۷) در این شرایط هم توده مردم از نبود قانون و گسترش فقر ناراضی بودند و هم دیوانیان برای تداوم حکومت، خواهان انجام اصلاحات شدند. حتی مظفرالدین شاه در ارتباط با انجام اصلاحات برای احیای شأن و مقام سلطنت چنین عقیده داشت: تنها با جهد و کوشش می توان به سطح همسایگان و دول همجوار رسید و برای این منظور تعویق در اجرای اصلاحات و تأمل در کارها اصلاً جایز نیست و می باید دو اسبه تاخت تا هرچه سریعتر به سر منزل مقصود رسید.^(۸)

امین الدوله صدراعظم نیز چنین معتقد بود: حکومت ایلیاتی و مستبدانه، دیگر توانایی اداره جامعه را ندارد؛ چرا که مردم آگاه شده و زیر بار ظلم و تعدی و بی قانونی حکام نمی روند؛ لذا دولت باید باب عدالت بگشاید.^(۹) امین الدوله در پاسخ به مظفرالدین شاه که تعلق اصلاحات را گوشزد می نمود، عامل اصلی ناکامی اقدامات اصلاحی را نبود بنیه مالی لازم می دانست که به اعتقاد او اخذ وام از کشورهای غربی این نقیصه را جبران می کرد و علاوه بر آن دولتیان را از پیروی منافع شخصی و زودگذر برحذر و منافع ملی و ملوکانه را مقدم می داشت. هوشیاری از زمینه چینی های روسها را نیز توصیه می کند.^(۱۰) اوضاع رو به انحطاط قاجارها

به حدی بحرانی بود که تأکیدات شاه و صدراعظم نتیجه ای دربرداشت و محاکم قضایی همچون گذشته در رسیدگی به تظلمات از رویه ثابتی پیروی نمی کردند و حاکم شرع به هر نحوی که اقتضای منافعش بود، به صدور حکم اقدام می کرد. در این باره در مکتوبات کمال الدوله چنین آمده است: «اوضاع ایالت به مرتبه ای مغشوش است که به وصف نمی آید نه قانونی هست و نه نظامی و نه اختیار معینی، اگر کسی به کسی سیلی بزند، مظلوم نمی داند که به کدام اختیار رجوع نماید. یکی نزد مجتهد می رود؛ دیگری به خدمت شیخ الاسلام می رود؛ یکی به امام جمعه شکایت می برد؛ دیگری به داروغه رجوع می کند... یک قانون معین و دست آویز هر کس موجود نیست تا بدانند وقتی که به کسی سیلی زده شد، به کدام اختیار رجوع باید کرد؛ مقصر را بعضی جریمه می کند؛ بعضی به چوبکاری مستحق می داند؛ برخی عفو می نماید؛ اگر کسی مصدر جرمی باشد در بعضی جا، حاکم از مجرم جریمه می گیرد.»^(۱۱)

فریدون آدمیت و هما ناطق پس از بررسی دو هزار و شانزده عریضه رسیده به دفتر مجلس تحقیق مظالم چنین می گویند: اعتراض نسبت به وضع حکومت، نظام مالیاتی و ارقام مالیات، محاکمات شرعی و عرفی و... را شامل می شود.^(۱۲)



اکنون در این شرایط اضمحلال و زوال بی‌وقفه سلسله قاجاری چگونه می‌توان با راه‌حلی مناسب، هم شرایط اجتماعی را برای زندگی عامه مردم فراهم کرد و هم با سازوکاری مطلوب، مناسبات دولتمردان و نخبگان فکری جامعه را بهبود بخشید؟!

انتظارات و خواسته‌های نخبگان فکری جامعه

روشنفکران و آگاهان از پیشرفت تمدن اروپائیان که عمدتاً از طریق روسیه، انگلیس و فرانسه در معرض مدلی جادویی قرار گرفته بودند، در پی یافتن دلایل عقب‌ماندگی کشور خود و «رمز» پیشرفت اروپائیان بودند. با بررسی آراء و دیدگاه‌های پیشگامان تجدد، می‌توان به نظام اندیشه و پایه‌های فکری جریانی رسید که در غالب نهضت سیاسی، اجتماعی مشروطه، خواهان نظم سیاسی جدیدی هستند که در آن قدرت مطلقه شاه با دو اصل مهم تفکیک قوا و نظام شورایی محدودتر شود.

مؤثرترین مرحله شکل‌گیری نهضتها، پیدایش نظام اندیشه و تکوین پایه‌های فکری آن محسوب می‌گردد. همچنین هویت مشخص و متمایز نهضتها و انقلابها در عرصه‌های اجتماعی - سیاسی و حوزه‌های داخلی و بین‌المللی از نوع دیدگاه‌ها و قضاوت‌هایشان از جوامع، توجیه و تفسیر می‌شود. مرحله تکوین و شکل‌گیری نظام اندیشه یک نهضت از مهم‌ترین مراحل ظهور نهضت است که حاصل بحران در مناسبات اجتماعی - سیاسی و حیات فرهنگی یک جامعه است.^(۱۳)

از این رو اندیشه ایجاد نظام شورایی و تفکیک قوا نقطه مقابل نظام سیاسی سلطنتی بود که از دیرباز تا نهضت مشروطه در ایران سابقه داشت. این نظام سیاسی از اندیشه «شاهی آرمانی» ایران باستان و نیز باورهای اسلامی نشأت می‌گرفت که از تلفیق آنها اندیشه ایران‌شهری به وجود آمد. مشروعیت سلطنت پادشاه از این طریق از حق الهی سلطنت ریشه می‌گرفت که به عنوان فرّه ایزدی یا ظل‌الله به شخص پادشاه اعطا می‌شد. از این طریق دیانت و سیاست، پیوندی ناگسستنی می‌یافتند و شاه از نوعی قداست مذهبی بهره‌مند می‌شد، او که موظف به پاسداری از قلمرو سرزمین اسلامی بود، هرگز نمی‌توانست علیه شریعت به پا خیزد؛ در نتیجه حکومت وی از نوعی توجیه شرعی بهره‌مند می‌شد.^(۱۴)

براین اساس، هسته مرکزی اندیشه و ایدئولوژی نهضت مشروطه برپایه محدودیت قدرت پادشاه در چارچوب قانون با دو اصل نظام شورایی و تفکیک قوا که از اصول مهم نظام پارلمانی هستند، تعریف شد. به این ترتیب با شکل‌گیری نظم سیاسی جدید روشنفکران، شاه از اعمال قدرت مطلقه خودکامه‌اش



محروم می‌شد و با کارکرد صحیح نمادهای سیاسی، اجتماعی متولد از نظام مشروطه، امید به افزایش شاخصه‌های رفاه، امنیت و آسایش قوت بیشتری می‌گرفت.

تحصیل‌کردگان ایرانی، راز پیشرفت کشورهای اروپایی را در حاکمیت قانون یافتند. از نگاه آنها قانون، به معنای حکومتی مسئول و نظام‌مند بود که با تضمین مالکیت خصوص از تعرض خودکامه حکومتگران به حقوق مردم به شدت می‌کاست.^(۱۵)

روزنامه‌های آن دوره نیز عامل اصلی ترقی و آبادانی ممالک پیشرفته را در اجرای قانون می‌دانستند: «تابش تمدن دول اروپا عالم‌گیر نشد و افق سعادت آنان روشن نگردید مگر به داشتن قانون.^(۱۶)» «... همانا بی‌قانونی و تعدی موجب ذلت و خرابی این مملکت شده است و اجرای قانون، باعث ترقی و آبادی سایر ممالک گردیده.^(۱۷)» به طور کلی روزنامه‌های عصر مظفری که در داخل کشور منتشر می‌شدند، مردم را به چند موضوع مهم که عبارت از تعلیم و تربیت، تمدن جدید، عدل و قانون، نظم و تربیت، عبرت از کار ژاپن، تذکره مفاخر قدیم، دعوت به اخوت اسلامی و معرفی سیاست روس و انگلیس در آسیا، آشنا می‌کردند.^(۱۸)

این قشر اجتماعی، رفع مشکلات جامعه ایران را در نشر افکار و اندیشه‌های متفکران غرب و بازگویی علل عقب‌ماندگی ایران فرض کردند. از اینجا بود که دریافت جدیدی از لیبرالیسم اروپایی، حکومت پارلمانی

هسته مرکزی اندیشه و ایدئولوژی نهضت مشروطه برپایه محدودیت قدرت پادشاه در چارچوب قانون با دو اصل نظام شورایی و تفکیک قوا که از اصول مهم نظام پارلمانی هستند، تعریف شد. به این ترتیب با شکل‌گیری نظم سیاسی جدید روشنفکران، شاه از اعمال قدرت مطلقه خودکامه‌اش محروم می‌شد و با کارکرد صحیح نمادهای سیاسی، اجتماعی متولد از نظام مشروطه، امید به افزایش شاخصه‌های رفاه، امنیت و آسایش قوت بیشتری می‌گرفت





و قانون اساسی و مشروطه برای جامعه ایران به وجود آمد.^(۱۹) نگاه به اندیشه‌ها و تفکرات متفکران غربی باعث شد زمینه‌های فکری نهضت مشروطه از دیدگاه سیاسی غرب نشأت بگیرد.^(۲۰)

برای آشنایی بیشتر با شکل‌گیری زمینه‌های فکر نهضت مشروطه به آراء و نظرات روشنفکران پیشگام اشاره می‌شود.

میرزا فتحعلی آخوندزاده تبریزی اندیشمندی است که در افکار و اندیشه‌های وی می‌توان تفکر پارلمان‌خواهی را در عصر ناصری و مظفری یافت. آخوندزاده که مدتی در دستگاه حکومت روس در تفلیس به عنوان مترجم مشغول به کار بود، با افکار نو آشنایی داشت. آخوندزاده در مکتوبات کمال‌الدوله به نظام پارلمانی اشاره می‌کند. این کتاب در سال ۱۲۸۵ به رشته تحریر درآمده است، وی ضمن انتقاد از حکومت سلطنت مطلقه، معتقد به نظام سیاسی در کشور است که با محدودیت قدرت همراه باشد. او در تعریف پارلمان می‌نویسد: «پارلمان عبارت از دو جمعیت [است]، یکی وکلای رعایا و دیگری مجمع وکلای نجبا... کل قوانین سلطنت در مجمع اولی ترتیب یافته، به ملاحظه مجمع ثانی پیشنهاد می‌شود. در صورت موافقت این مجمع به امضاء پادشاه رسیده، مجری می‌گردد و پادشاه اصلاً قدرت ندارد که برخلاف قوانین مزبور اقدام کند.»^(۲۱)

با این تعریف وی معتقد است، نمایندگان مجلس باید از سوی مردم انتخاب شوند. همچنین با اشاره به مجمع وکلای نجبا به همان مجلس سنایی تأکید دارد که در نظام پارلمانی مکمل مجلس ملی محسوب می‌شود.

میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، ریشه بسیاری از معضلات ایران را در بی‌قانونی می‌داند. او در شرایطی که دستگاه دولت، نیاز به تجدید سازمان داشت، نخستین رساله خود یعنی «کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات» را در ارتباط با اصلاحات سیاسی و اداری در سال ۱۲۷۵ نگاشت. نویسنده در مقدمه به انحطاط سیاسی ایران اشاره می‌کند و با طرحی برای نجات دولت در قالب قانون، خواهان تفکیک کامل اختیار وضع قانون از اختیار اجرای آن است: «نظم و پیشرفت حکومت به جدایی این دو اختیار است. این دو اختیار، ترکیب دقیق و دستگاه‌های منظم دارند... چیزی که لازم است سلطنت مطلق است، سلطنت مطلق منظم مثل روس و نمسه و عثمانی اگرچه پادشاه هر دو اختیار حکومت را دارد و لیکن به جهت نظم دولت و حفظ قدرت شخص خود این دو اختیار را هرگز مخلوط استعمال نمی‌کند.»^(۲۲)

میرزا ملکم خان در این رساله می‌کوشد تا شاه را

میرزا فتحعلی آخوندزاده تبریزی اندیشمندی است که در افکار و اندیشه‌های وی می‌توان تفکر پارلمان‌خواهی را در عصر ناصری و مظفری یافت. آخوندزاده که مدتی در دستگاه حکومت روس در تفلیس به عنوان مترجم مشغول به کار بود، با افکار نو آشنایی داشت. آخوندزاده در مکتوبات کمال‌الدوله به نظام پارلمانی اشاره می‌کند. این کتاب در سال ۱۲۸۵ به رشته تحریر درآمده است، وی ضمن انتقاد از حکومت سلطنت مطلقه، معتقد به نظام سیاسی در کشور است که با محدودیت قدرت همراه باشد

به تأسیس یک دستگاه قانونگذاری ترغیب نماید. از مشروطه و سلطنت مشروطه، نامی نمی‌برد و از آن به اصطلاح سلطنت معتدل یاد می‌کند و دستگاهی را که می‌خواهد بسازد، سلطنت مطلق منظم می‌داند و می‌گوید: «به جهت حصول این مقصود، دو دستگاه علی‌حده ترتیب داده‌اند؛ یکی دستگاه اجرا و دیگری دستگاه تنظیم»^(۲۳) و در ادامه چنین می‌گوید: «شرح اراده پادشاهی و تعیین شرایط اجرای آن، برعهده دستگاه تنظیم است و اجرای اراده مزبور موافق شروط معین محول به دستگاه اجرا است.»^(۲۴)

میرزا ملکم خان با این توضیحات درصدد تأسیس مجلس است. در رساله دیگری به نام دفتر قانون، ملکم خان همان طرح اساس انفصال قوه قانونگذاری از قوه مجریه را متذکر می‌شود. در بخشی از دفتر قانون چنین نوشته شده است: «ای عقلای ایران، ای صاحبان غیرت، اگر طالب حفظ ایران هستید، در اصلاح مهار معظم این دو مجلس بکوشید.»^(۲۵)

میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی، اندیشه‌های وی بر مفاهیم و مقولاتی چون دفاع از قانون، نفی و نقد استبداد سلطنتی، دفاع از حکومت مشروطه و انتقاد از وضعیت نابسامان ایران آن زمان استوار بود.

طالبوف در کتاب احمد (سفینه طالبی) ضمن اشاره به معایب نظام سلطنتی مطلقه به بیان ویژگی‌های نظام مشروطه و نهاد قانونگذاری می‌پردازد. طالبوف معتقد به تأسیس دو مجلس است: یکی مجلس نجبا که اعضای آن را پادشاه مشخص می‌کند و دیگری مجلس وکلا که برگزیدگان مردم می‌باشند.^(۲۶)



در خصوص وظایف دو مجلس چنین نوشته شده است: «... تدبیر مصالح جمهور، تعیین بودجه، وضع قانون و اعلان جنگ و صلح هم موقوف به رد و قبول این دو مجلس است...»^(۳۷)

طالبوف در اثر دیگرش *مسائل الحیات* ضمن تأکید بر لزوم وجود قانون اساسی در تعریف آن می‌گوید: «قانون اساسی عبارت از آن قانون است که در آن حقوق پادشاه و تبعه واضح و معین شده باشد.»^(۳۸) همچنین پیشرفت، آبادانی، تجارت، سعادت و مساوات را از نتایج و ثمرات قانون می‌داند و می‌گوید: «اطمینان مال و جان، محبت و عامه، مساوات تامه، انتشارات عامه، ... وطن دوستی... ترقی صنایع، تزئین ثروت عمومی، رونق تجارت، پیشبندی نفوذ اجانب، سرحد وظیفه متنفذین، ... [از ثمرات قانون است.]»^(۳۹)

میرزا یوسف‌خان مستشار الدوله تبریزی نویسنده رساله یک کلمه که در سال ۱۲۸۳ این رساله را در پاریس نگاشته، متفکر دیگری است که در اندیشه‌اش نظام پارلمانی و نهاد قانونگذاری جایگاه ویژه‌ای دارد. مستشارالدوله در این رساله بر آن است تا به تطبیق قوانین فرانسه با شرع پردازد و برای صحت گفته‌های خویش به آیات قرآن و احادیث معصومین استناد کرده است. او نوزده فقره از حقوق عامه فرانسه را در این رساله متذکر شده است که فقره مربوط به نظام پارلمانی آن، جای تأمل دارد. در فقره سیزدهم در زمینه تفکیک قوا می‌نویسد: «قدرت تشریح و قدرت تنفیذ بالفعل منقسم باید شود و در ید واحد نباشد یعنی مجلس وضع قانون جدا و مجلس اجرای قانون جدا و به هم مخلوط نباشد.»^(۴۰) در اهمیت این اصل، می‌نویسد: «... الان هرگونه ترقی و قدرت و قوت

و ثروت و تجارت در دول فرنگستان دیده می‌شود. از جدایی دو اختیار است و هر قسم بی‌نظمی، بی‌پولی و عدم قدرت و نکث در صنایع و تجارت و زراعت در مشرق زمین مشاهده می‌شود. از اخلاط و امتزاج دواختیار است...»^(۴۱)

زین‌العابدین مراغه‌ای نویسنده کتاب *سیاحتنامه ابراهیم بیک* نیز به لزوم تشکیل دستگاه قانون‌گذاری و حاکمیت قانون تأکید می‌نماید و با نگارش این کتاب سه جلدی در تحریک حس نفرت و انزجار مردم از استبداد حاکم، موفق بوده است. همچنین در افکار او ناسیونالیسم، قانون‌خواهی و مشروطه‌طلبی به وضوح دیده می‌شود.

در کتاب معروفش که در اواخر سال ۱۳۱۲ چاپ شده در خصوص دستگاه قانون‌گذاری می‌نویسد: «امروز در ایران این ملاحظات به تجربه رسید که سلطنت و استقلال پادشاه با قانون مشروطیت هزار مرتبه مشعشع‌تر و عزیزتر و باعزت‌تر از پادشاه بارباری است. رعیت هم خوب دریافته‌اند که رفاه حال و مکتب و دولت ایشان بسته به دستگاه قانون است.»^(۴۲)

بر این اساس، تنها راه‌حل مناسب برای بهبود مناسبات دولتمردان و نخبگان فکری جامعه، انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مجلس است تا بتوان ضمن اعمال محدودیت در قدرت پادشاه با تفکیک قوای مقننه و مجریه از هم به مجلس مستقل و فعال در حوزه تصمیم‌گیری جمعی و شورایی دست یافت که امید می‌رود مصوبات آن به دور از سلاطین فردی شاه و وزرا و حکمرانان محلی بتواند شاخصه‌های رفاه، آسایش و امنیت اجتماعی را برای عموم جامعه به ارمغان آورد.

مردم امید داشتند
با برقراری نظام
پارلمانی از جفای
هزاران سلطان
مقتدر که هر یک
از بی‌قانونی مملکت
قانونی به میل و
هوای نفس خود
برای تأمین منافع
شخصی داشته و
از قتل و حبس و
ضرب مردم هیچ
واهمه‌ای نداشتند،
آسوده شوند و با
برقراری مجلس به
تبع پیروزی نهضت
مشروطه از یک
قانون و یک حکم
و یک نظام تصمیم
گیرنده بهره‌مند
شوند

پرونده‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جلال‌الملک‌اشانی



زمانی که
 نهضت مشروطه
 به پیروزی رسید
 و کتابچه قانون به
 مناطق فرستاده
 شد، «عامه مردم»
 نمی دانستند و
 نمی فهمیدند که
 مشروطه چیست.
 کتابچه قانون
 اساسی چون به
 مراغه آمد، ابتدا
 معنی فصول او را
 نفهمیدند و تعجب
 می کردند که این
 همه شورش در سر
 این فصول بیهوده
 به چه می آرزید



انتظارات و خواسته‌های عامه مردم

عامه مردم مخاطبان پرشمار اندیشه‌های روشنفکرانی بودند که با طرح ایده‌هایشان زمینه‌های فکری نهضتی را فراهم کردند که بعدها با تشکیل نظام پارلمانی نویدهای بسیاری درباره پیشرفت کشور و رفاه اجتماعی به آنها داده شد. مردمی که به بیان کسروی «سالیان درازی گرفتار خودکامگی بوده و همیشه ستم کشیده بودند اکنون خود را در برابر مشروطه یا بهتر بگوییم زندگانی «دموکراتی» می‌دیدند و راه مردانگی و سرفرازی را در برابر خود باز می‌یافتند، نویدهای بسیار درباره پیشرفت کشور و آسایش توده می‌شنیدند.»^(۳۳)

روحانیون و وعاظ محبوب مردمی نیز به نیابت از روشنفکران مردم را از حقوق تضییع شده آنها آگاه می‌کردند. سیدجمال واعظ در این زمینه به مردم می‌گفت:

«هر نفر صاحب حقوق بسیار است که بایستی در دار دنیا این حقوق به آن شخص برسد که اسم این حقوق، حقوق آدمیت است.. اما چه کنم که این بزرگان و رؤسا و اعیان مملکت ما، شما رعایا و ضعفا را مانند حیوان و گوسفند فرض کرده‌اند... یقین داشتند که مخصوصا خداوند شماها را از برای راحتی آنان خلق فرموده است. مخصوصا خداوند شماها را خلق کرده است که خدمت بکنید و جان بکنید و زحمت بکشید، زراعت کنید و آفتاب بخورید، بیل به زمین بزنید، کاسبی کنید و به هزار خون جگر صد دینار پیدا کنید. آن وقت این صد دینار را در طبق اخلاص گذارده و تسلیم آقا بکنید، عجیب‌تر از این مطلب، این است که شما فقرا و رعایا و ضعفا ایران هم خودتان همین اعتقاد را داشتید...»^(۳۴)

مردم امید داشتند با برقراری نظام پارلمانی از جفای هزاران سلطان مقتدر که هر یک از بی‌قانونی مملکت قانونی به میل و هوای نفس خود برای تأمین منافع شخصی داشته و از قتل و حبس و ضرب مردم هیچ واهمه‌ای نداشتند، آسوده شوند و با برقراری مجلس به تبع پیروزی نهضت مشروطه از یک قانون و یک حکم و یک نظام تصمیم گیرنده بهره‌مند شوند.^(۳۵) اما در ارتباط با این مسئله که تا چه حد مشروطه‌خواهان توانستند به وعده‌هایشان جامه عمل بپوشانند، مطلبی است که به طور جداگانه باید به آن پرداخته شود.

دهخدا در ستون چرند و پزند و صوراسرافیل می‌گوید: «... من از قدیم از همه مشروطه‌تر بودم، پای پیاده همراه آقایان به قم رفتم، برای اینکه من از روز اول فهمیده بودم که مشروطه

یعنی عدالت، مشروطه یعنی رفع ظلم، مشروطه یعنی آسایش رعیت، مشروطه یعنی آبادی مملکت، من اینها را فهمیده بودم، یعنی آقایان و فرنگی مثابها این مطالب را به من حالی کرده بودند.»^(۳۶)

عامه مردم، چاره‌اندیشی روشنفکران را مرهم دردهای پنهان خویش از دولتمردان می‌پنداشتند. آنها با بیان مشکلات مردم، خواهان برقراری، نظم سیاسی جدیدی بودند: «ما اهالی ایران چه تقصیر کرده و چه گناهی مرتکب شدیم که باید در نهایت ذلت و خواری و مسکنت و خاکساری بوده در جزء وحشیها و بی‌تربیتها محسوب باشیم و به مبتلای هزاران دردهای بی‌درمان از خارج و داخل گردیم. این است امر نان و گوشت و روغن و سایر مأكولات، آن است حال آب و هوا و سایر مشروبات، گاهی به تعدیات حکام ظالم و زمانی گرفتار ظلم دیوانیان، وقتی به ستم و هوای میل و نفس کسبه گرفتاریم، کوچه و خیابانها کثیف، حمامها و آبها بدبو و نجس، نه راه‌آهنی داریم و نه کارخانه و روزنامه آزادی، نه اخبار یومیه و نه آثار عیشیه، دو سه روزنامه در داخله داریم آن هم جز تملق و دروغ و چاپلوسی و مهملات دیگر، چیزی نمی‌نویسند. احدی نیست که به خیال ترقی این ملت نجیب و اصیل وضعیف افتد، حکام به رشوه و تعارف خو گرفته‌اند، وزرای خائن وطن عزیز را به بهائی کم و ثمنی بخش به اجانب از هر جانب می‌فروشند، رؤسا گرفتار اغراض شخصی می‌باشند، نه کشتی و دریا داریم نه بندری و لنگرگاه، نه لشکر داریم نه دفتر، نه بلدیة داریم نه نظمیة، نه مالیه داریم نه عدلیه، نه مدارس داریم نه مجالس، نه معارف نه محارف، نه فلاحت نه زراعت، نه علم عسکری نه تربیت لشکری، نه آسایش نه آرامش، نه حال نه مال، نه شب نه روز...»^(۳۷)

براین اساس عامه مردم انتظار داشتند با برقراری نظام جدید سیاسی، آبادانی و رفاه مادی با وفور و ارزانی نان و گوشت، خاتمه بیکاری آذربایجانیها، مهاجرت به قفقاز، تصویب قوانین جدید به منظور بهبود اوضاع دهقانان به منصفه ظهور رسد.^(۳۸)

به عبارت بهتر نظم جدید سیاسی می‌بایست با برقراری نظام پارلمانی و تصویب قانون اساسی تمامی محرومیتها و مصایب اجتماعی - سیاسی جامعه را برطرف کند.

با تمام این انتظارات و کوششها زمانی که نهضت مشروطه به پیروزی رسید و کتابچه قانون به مناطق فرستاده شد، «عامه مردم» نمی‌دانستند و نمی‌فهمیدند که مشروطه چیست. کتابچه قانون اساسی چون به مراغه آمد، ابتدا معنی فصول او را

نفهمیدند و تعجب می‌کردند که این همه شورش در سر این فصول بیهوده به چه می‌آرزد.»^(۳۹)

پی‌نوشتها

۱. مقاله حاضر بخشی از پایان‌نامه نگارنده با موضوع «مشروطه اول؛ تلاش جهت نهادینه شدن نظم دمکراتیک در ایران» به راهنمایی دکتر سهراب یزدانی عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم است.

۲. سهراب یزدانی: *آرمان شهر مشروطه*، روزنامه صبح امروز، سال دوم، شماره ۱۸۱ (۱۶ مرداد ۱۳۷۸)، ص ۶.

۳. ژانت آفاری، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران بیستون، ۱۳۷۹، ص ۳۸.

۴. نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران (سالهای ۱۳۳۰-۱۳۰۲).

۵. س.ج.و. بنجامین، *ایران و ایرانیان*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران، جاویدان، ۱۳۶۳، ص ۳۵۳.

۶. محمدعلی همایون کاتوزیان، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضانقیسی و کامبیز عزیزی، ج ۶ تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷، ص ۶۲.

۷. یزدانی، *آرمان شهر مشروطه*، ص ۶.

۸. *حبل‌المتین*، سال ۱۴، شماره ۱ (۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴)، ص ۷.

۹. همان، ص ۱۱.

۱۰. همان، ص ۱۴.

۱۱. میرزا فتحعلی آخوندزاده، *مکتوبات کمال‌الدوله*، نسخه خطی، کتابخانه ملی شماره ۱۱۲۳، صص ۴۳-۴۴.

۱۲. فریدون آدمیت و هما ناطق، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرشده دوران قاجار*، تهران، آگاه، ۱۳۵۶، ص ۳۷۶.

۱۳. گی روشه، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶، صص ۸۲-۸۳.

۱۴. علیرضا ملانی‌توانی، *مشروطه و جمهوری*، تهران، گستره، ۱۳۸۱، صص ۲۵-۲۶.

۱۵. محمدعلی همایون کاتوزیان، *تضاد دولت و ملت*، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، ج ۲، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۲۳.

۱۶. *مساوات*، سال اول، شماره ۱۰، (۲۱ ذیحجه ۱۳۲۵)، ص ۱.

۱۷. *روح‌القدس*، سال اول، شماره ۱۰ (۶ رمضان ۱۳۲۵)، ص ۲.

۱۸. محمد محیط طباطبایی، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران، نشر بعثت، ۱۳۶۰، صص ۹۳-۹۴.

۱۹. آفاری، *انقلاب مشروطه ایران*، صص ۴۳-۴۴.

۲۰. منصوره اتحادیه، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت*، تهران، نشر کتاب سیامک، ۱۳۸۱، صص ۴۳-۴۴.

۲۱. میرزا فتحعلی آخوندزاده، *مکتوبات کمال‌الدوله*، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۱۲۳، صص ۱۰-۱۱.

۲۲. محیط طباطبایی، *مجموعه آثار میرزا ملکم خان*، تهران انتشارات علمی، بی‌تا، ص ۱۶.

۲۳. همان، ص ۱۸.

۲۴. همان.

۲۵. همان، ص ۲۷.

۲۶. عبدالرحیم طالبوف تبریزی، *کتاب احمد*، ج ۲، اسلامبول، نشر اختر، ۱۳۱۱ هـ.ق، صص ۸۰-۸۱.

۲۷. همان.

۲۸. عبدالرحیم طالبوف تبریزی، *مسائل الحیات*، تفلیس، نشر غیرت، ۱۳۲۴ هـ.ق، ص ۱۴.

۲۹. فریدون آدمیت، *اندیشه‌های طالبوف*، تهران، دماوند، ۱۳۶۳، ص ۴۵.

۳۰. میرزایوسف‌خان مستشارالدوله، *رساله یک کلمه*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۱/۲۵۶۰، فقرة ۱۳.

۳۱. همان.

۳۲. زین‌العابدین مراغه‌ای، *سیاحتنامه ابراهیم بیگ*، به کوشش م.ع سپانلو، بی‌جا، نشر اسفار، ۱۳۶۴، ص ۳۰۵.

۳۳. احمد کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، ج ۲، تهران، نشر صدای معاصر-مجید، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰.

۳۴. اقبال یغمایی، *شهید راه آزادی سیدجمال واعظ اصفهانی*، تهران، توس، ۲۵۳۷، ص ۱۴۲.

۳۵. *حبل‌المتین*، سال ۱۴، شماره ۱۷ (۱۶ شوال ۱۳۲۴)، ص ۲.

۳۶. چرند و پزند، *صوراسرافیل*، سال اول، شماره ۱۷، (ذی‌حجه ۱۳۲۵)، ص ۷.

۳۷. ناظم‌الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، بخش اول، ج ۵، تهران، پیکان، ۱۳۷۶، ص ۲۴۶.

۳۸. آفاری، *انقلاب مشروطه ایران*، ص ۱۱۱.

۳۹. کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، صص ۲۰۱-۲۰۰.

عامه مردم مخاطبان
پر شمار اندیشه‌های
روشنفکرانی
بودند که با طرح
ایده‌هایشان
زمینه‌های فکری
نهضتی را فراهم
کردند که بعدها
با تشکیل نظام
پارلمانی نویدهای
بسیاری درباره
پیشرفت کشور و
رفاه اجتماعی به
آنها داده شد

